

## مقدمه

در اقتصادهای مدرن مبتنی بر انگاره‌های بازار آزاد، رقابت، ارزشی بنیادین و حیاتی به شمار می‌آید. نظام عرضه و تقاضا ترسیم‌کننده چارچوبی است که بنگاه‌ها در آن به عنوان کنش‌گران کارزار رقابت، در کشاکش دائمی برای چیرگی بر رقبای و بهبود جایگاه خود هستند. اقدامات بنگاه‌ها در ستیز اقتصادی برای بقا در بازار، گاه همساز با هنجارهای مطلوب، و گاه از شاخص‌های بایسته به دور است و به انحصارگرایی، حذف رقبای و انحراف رقابت از مسیر معمول خود منتهی می‌شود؛ روندی که در نهایت، ساختار بازار را با پدیده شکست مواجه می‌سازد. غلبه بر این چالش و جبران ناتوانی بازار در فرایند خودتنظیمی، نیازمند مداخله نهادهای ناظر است که در راستای تحقق مصالح عمومی، قواعدی را به اجرا بگذارند و با رفتارهای مذکور، به مقابله برخیزند و بازار را به سمت نقطه تعادل خود رهنمون سازند. قواعد نظام‌بخش بازار در حیطه رقابت، حقوق ضد انحصار یا حقوق رقابت خوانده می‌شود که یکی از برجسته‌ترین نقاط پیوند علم اقتصاد و دانش حقوق به شمار می‌آید.

حقوق رقابت و سیاست‌های پشتیبان آن، موتور محرک و در عین حال، تمهید کنترل‌کننده اقتصاد کشورهای پیشرفته است. در مقایسه با سایر شاخه‌ها، حقوق رقابت، نظامی نسبتاً نوین محسوب می‌شود که با وجود آنکه دیرینگی چندانی ندارد، اما تحولات شگرفی در آن رقم خورده است و همواره برای سامان‌دهی بازار و پیکار با اشکال جدید و پیچیده اقدامات مخل رقابت، خود را با مقتضیات اقتصادی همگام و نوسازی کرده است؛ به نحوی که تصور بستری کارآمد و ارزنده برای فعالیت‌های اقتصادی، بدون توجه به نقش بی‌بدیل حقوق رقابت دشوار می‌نماید.

در گستره اقتصاد دانش‌بنیان که در چند دهه اخیر گام‌های پُرشتابی به سوی توسعه برداشته است، جایگاه خطیر و برجسته مالکیت‌های فکری بر کسی پوشیده نیست. دارایی‌های فکری در تشدید رقابت در بازارهای گوناگون سهم بسزایی دارند؛ چراکه بنگاه‌هایی که رقبای خود را به لطف برخورداری از موهبت آفرینه‌های فکری، کامیاب می‌بینند، تمام تلاش

نوآورانه خود را به کار می‌گیرند تا با عرضه محصولات ابداعی یا فناوری‌های نوین، از هم‌آوردان خود در صحنه رقابت پیشی بگیرند. این جدال خلافتانه، از یک سو، بالندگی محیط رقابت را در پی دارد و از سوی دیگر، به ارتقای شاخص‌های حقوق فکری می‌انجامد؛ زیرا بنگاه‌ها در یک فضای رقابتی از انگیزه بیشتری برای نوآوری برخوردارند.

نوع رابطه حقوق رقابت و حقوق مالکیت فکری همواره مقوله‌ای پرچالش بوده است؛ چراکه نظام نخست، انحصارگرایی را طرد می‌کند و نظام دوم، تداوم بخشی به انگیزه‌های نوآوری را در گرو تدارک حقوق انحصاری می‌پندارد. از دیرباز، در خصوص تقابل یا تعامل حقوق رقابت و حقوق مالکیت فکری، دیدگاه‌های متفاوتی ابراز شده است، ولی اکنون کتمان پذیر نیست که هر دو شاخه حقوقی تا حدود زیادی هم‌نوا و هم‌گرا هستند ولی هر یک برای پیمایش مسیر مشترک ارتقای کارایی اقتصادی و تأمین رفاه مصرف‌کنندگان، از ابزار و تمهیدات خاص خود سود می‌جویند. به این ترتیب، هر دو رشته حقوقی که در پیوندی تعاملی به سر می‌برند، به اعتلای هنجارهای یکدیگر مساعدت می‌کنند. با وجود این، سایه نظارت حقوق رقابت، بر گستره مالکیت‌های فکری نیز بسط می‌یابد و اگر در شرایطی، صیانت از نظم عمومی اقتصادی ایجاب نماید، حقوق رقابت به منظور جلوگیری از انحراف و ممانعت از رقابت، در تحدید حقوق انحصاری دارندگان دارایی‌های فکری درنگ نمی‌کند تا تعادل را به بازار متلاطم بازگرداند. در نیل به این هدف، حقوق ضد انحصار، به مقابله با اقسام رویه‌های مخل رقابتی می‌پردازد که در قالب اعمال دو یا چند جانبه و اقدامات یک جانبه و سوءاستفاده از موقعیت مسلط در بازار متبلور می‌شود یا از مجرای ادغام و تملک بنگاه‌ها ظهور می‌یابد.

هرچند سابقه حقوق ضد انحصار در امریکا بیش از یک قرن، و حقوق رقابت مدرن در اتحادیه اروپا، چند دهه است که در تنظیم بازار نقش آفرینی می‌کند، اما در ایران، حدود ده سال از خصوصی‌سازی و پیدایش جدی حقوق رقابت، با تصویب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی می‌گذرد؛ قانونی که کاستی‌های عمیقی در آن مشاهده می‌شود و رویکردهای دور از قواعد و ابهام‌زای آن، به معضلات و پیچیدگی‌های موجود دامن زده است. یکی از مهم‌ترین انتقادات وارد شده به موضع حقوق رقابت ایران، گذشته از رهیافت‌های خطا، که بخشی از آن به نوپا بودن این رشته و شیوه آزمون و خطایی در راهبردهای قانون‌گذاری ایران مربوط می‌شود، اغماض از مسائل خاص حوزه آفرینش‌های فکری است که جز در یک ماده ناکارآمد، راهی به قانون نیافته است. چنین نگرشی طریق مواجهه اصولی با چالش‌های این عرصه را دشوار می‌کند؛ در حالی که حقوق رقابت در کشورهای پیشرو با توجه به تحولات فراینده حوزه مالکیت‌های فکری، به ویژه در پهنه فناوری اطلاعات، به طور مداوم، توسعه یافته

و روزآمد شده است، به نحوی که بتواند پاسخ‌گوی نیازها و مسائل جدید و غامض این گستره خاص باشد.

رفع کاستی‌ها و اصلاح رویکردهای ناصواب در حقوق رقابت ایران، نیازمند بازاندیشی در راهبردهای موجود و مستلزم ژرف‌نگری در شرایط و چشم‌اندازهای آینده، به منظور ارائه راه‌حلی‌هایی کارساز در پرتو مقتضیات و مصالح اقتصادی، نوآورانه و فناورانه کشورمان است. در این میان، تمرکز بیشتر بر مقوله کارایی پویا، اهمیتی مضاعف دارد. ضرورت این موضوع زمانی هویداتر می‌شود که بدانیم سویه سیاست‌های کلی ایران به اقتصاد دانش‌محور و کسب و توسعه فناوری‌های نوین معطوف شده است که دستیابی به اهداف آن، جز از طریق تدارک بستری مناسب برای فعالیت‌های رقابتی سالم در بازارهای مالکیت‌های فکری حاصل نمی‌شود.

به‌منظور ترسیم چارچوبی اصولی و هنجارمند برای موازین حقوق رقابت ایران در عرصه آفرینش‌های فکری، لازم است عمدتاً از تجربه نظام‌های پیشرو در حقوق رقابت، یعنی امریکا و اتحادیه اروپا بهره‌گیریم و در موارد مقتضی، به رهیافت‌های برخی کشورها نظیر فرانسه، ژاپن و چین نگاهی داشته باشیم. یافته‌های حاصل از مطالعه تطبیقی با گذر از فرایند انطباق با مؤلفه‌ها و نیازهای بومی، در نظام‌بخشی مناسب و تدارک تدابیر کارا، مؤثر واقع می‌شود و روشنگر مسیری خواهد بود که باید به منظور بازنگری، اصلاح و تکمیل سیاست‌ها و قوانین موجود در حوزه‌های رقابت و مالکیت فکری طی کرد. افزون بر این، راهکارها و پیشنهادها مطرح شده، به مدد فعالان این عرصه‌ها اعم از بنگاه‌ها، حقوق‌دانان و مراجع رسیدگی‌کننده می‌آید و با ارائه رهنمودهایی، فعالیت‌های کنش‌گران پهنه‌داری‌های فکری را به مسیر صحیح رقابتی سوق می‌دهد.

مطالب این کتاب در سه فصل تنظیم شده است:

در فصل آغازین، لازم است مفاهیم بنیادینی همچون حقوق مالکیت فکری، حقوق رقابت، انحصار، بازار و اعمال مخل رقابت را شناسایی کنیم تا مدخلی برای ورود به مباحث اصلی در فصل‌های بعد باشد. در غیاب درک صحیح و دقیقی از این مفاهیم، احتمال کج‌راهه رفتن در تحلیل‌هایی که حول آن‌ها مطرح می‌شود، بسیار خواهد بود.

فصل دوم، به پیوندها و تأثیر متقابل حقوق رقابت و حقوق مالکیت فکری اختصاص دارد که در آن، ضمن تبیین زمینه‌های بروز تعارض میان دو نظام، به دیدگاه‌های متفاوتی که درباره نوع پیوند حقوق رقابت و حقوق آفرینش‌های فکری از دیرباز مطرح بوده است، می‌پردازیم. در این فراز می‌کوشیم نشان دهیم که این دو شاخه از حقوق، در همزیستی نسبی قرار دارند و مقاصد مشترکی را پی می‌گیرند؛ سپس، به قواعد راهبردی که حاصل رهیافتی است که حقوق رقابت و حقوق مالکیت فکری را مکمل یکدیگر می‌انگارد، اشاره و دیدگاه

کلی حقوق رقابت نسبت به مهم‌ترین مصادیق دارایی‌های فکری را بررسی می‌کنیم. در ادامه این فصل، به دکترین‌های تعاملی نظام مالکیت فکری با حقوق رقابت نگاهی می‌افکنیم و در انتهای فصل، به معرفی و نقد سیاست اصولی و مطلوب رقابتی ناظر به اموال فکری در کشورهای مختلف، حسب میزان توسعه‌یافتگی آن‌ها اهتمام می‌ورزیم.

فصل سوم و پایانی جلد حاضر، به شناخت توافقات ضد رقابتی می‌پردازد؛ رویه‌هایی که در هیئت یک قرارداد مستقل یا شرط ضمن قراردادهای معمول حوزه مالکیت‌های فکری، به انحراف مختلف، در رقابت اخلاقی ایجاد می‌کنند. در این فصل، در خواهیم یافت که برای ارزیابی رقابتی رویه‌های یاد شده، نیازمند ضوابطی جامع، نظیر قاعده ممنوعیت محض و قاعده معقولیت هستیم که به مساعدت آن‌ها، می‌توانیم ابعاد مختلف توافقاتی را که موضوعاً یا حسب پیامدهای خود، ضد رقابتی به شمار می‌آیند، تحلیل کنیم و نهایتاً فرجام رقابتی آن‌ها را تعیین نماییم. در این فصل، همچنین به طور مفصل و تحلیلی، نگرش حقوق رقابت را نسبت به مهم‌ترین رویه‌های محدودکننده که از مجرای توافقات ظهور می‌یابند، عیان می‌سازیم. در این بین، شاهد برخی رویه‌ها نظیر تثبیت قیمت و تقسیم بازار هستیم که در همه حوزه‌های کالاها، خدمات و مالکیت‌های فکری رایج هستند، با وجود این، نمی‌توان زوایای خاص آفرینه‌های فکری و مقوله کارایی پویا را که در تعیین اعتبار رقابتی آن‌ها اثرگذار است، نادیده گرفت. همچنین، مطالب این فصل ناظر به بعضی رویه‌های خاص حیطه مالکیت‌های فکری نظیر شروط مخل رقابت مرتبط با حق امتیاز در قراردادهای لایسنس، شرط عدم چالش در اعتبار فناوری‌های واگذار شده و منع فعالیت‌های تحقیق و توسعه خواهد بود.

در پایان، نویسندگان لازم می‌دانند از مدیر محترم گروه حقوق سازمان «سمت» آقای دکتر قاسم محمدی، به دلیل مساعدت ارزنده ایشان در انتشار اثر تشکر نمایند و تلاش‌های کارشناس ارجمند گروه، خانم مریم فلاح شجاعی، دقت نظر ویراستار محترم، خانم نسیم ترهنده و زحمات بی‌دریغ نسخه‌پرداز و کنترل‌گر فنی کتاب، خانم مژگان امیری پریان، را ارج نهند.

فارغ از بضاعت علمی اندک نویسندگان، تازگی مباحث حقوق رقابت در عرصه مالکیت‌های فکری در ادبیات حقوقی ایران، سبب شده است تا مطالب مطرح‌شده، مصون از خطا و اشتباهات پرشمار نباشد. نگارندگان، خود، به کاستی‌ها واقف و معترف‌اند، و سپاسگزار تذکرات و نقدهای عالمانه صاحب‌نظران و مخاطبانی هستند که با عیان ساختن ضعف‌ها، به بهبود و اصلاح مطالب کتاب یاری می‌رسانند.